

word:	definition:	Example 1:
Evidence شهادت - گواه	that which makes clear the truth or falsehood of something آنچه درستی یا کذب چیزی را آشکار می سازد ، شواهد ، مدارک	Each juror felt he needed more evidence before voting to convict the former football star. هر یک از اعضای هیئت منصفه، احساس کردند قبل از اینکه بخواهند رای به محکومیت ستاره قبلی فوتبال بدهند، به شواهد بیشتری نیاز دارد
Solitary آدم گوشه گیر - تنها	alone; single; only تنها ، مجرد ، انفرادی	Sid's solitary manner kept him from making new friendships. رفتار گوشه گیرانه /ساید/ موجب شد که او دوستان جدیدی پیدا نکند
Vision دید - خیال	power of seeing; sense of sight قدرت دید ، حس بینایی	With the aid of the binoculars, my vision improved enough to see the entire vicinity به کمک دوربین دوچشمی، بینایی ام آنقدر بهتر شد که توانستم کل محوطه را ببینم
Frequent مکرر	happening often; occurring repeatedly اغلب اتفاق می افتد ، مرتب رخ می دهد ، مکرر	We made frequent visits to the hospital to see our grandfather. ما برای ملاقات پدربزرگمان زیاد به بیمارستان رفتیم
Glimpse نظر اجمالی	a short, quick view نگاه کوتاه و سریع	This morning we caught our first glimpse of the beautiful shoreline. امروز صبح اولین نظر را به ساحل زیبا انداختیم
Recent اخیر	done, made, or occurring not long ago اخیر ، تازه	At a recent meeting, the Board of Education provided the evidence we had been asking for. در جلسه اخیر، هیأت رئیسه آموزش و پرورش، مدارکی که دنبال آنها بودیم، در اختیارمان گذاشت
Decade دهه - دوره ده ساله	ten years ده سال ، دهه	After a decade of granting salary increases, my boss ended the practice. بعد از ده سال اعطای اضافه حقوق، رئیسم به این رسم پایان داد
Hesitate مکث کردن - اکراه داشتن	fail to act quickly; be undecided سریع عمل نکردن ، مردد بودن ، تعلل کردن	Nora hesitated to accept the challenge. نورا مردد بود که دعوت به مبارزه رت بپذیرد

Absurd	پوچ plainly not true or sensible; foolish	به وضوح درست یا عاقلانه نیست ، احمقانه ، مسخره It was absurd to believe the fisherman's tall tale. باور کردن داستان طولانی ماهیگیر، نامعقول بود
Conflict	اختلاف direct opposition; disagreement	مخالفت مستقیم ، عدم توافق ، تضاد Our opinions about the company's success in the last decade are in conflict with what the records show. عقاید ما نسبت به موفقیت شرکت در دهه ی اخیر، با آنچه که سوابق نشان می دهند، مغایرت دارد
Minority	اقلیت - گروه اقلیت smaller number or part; less than half	تعداد ی ابخس کوچکتر ، کمتر از نصف ، اقلیت Only a small minority of the neighborhood didn't want a new park. تنها اقلیت کوچکی از همسایگان، پارک جدید نمی خواستند
Fiction	افسانه - خیال that which is imagined or made up	آنچه که تصور یا ساخته می شود ، داستان ، خیالیبافی The story that the President had died was fiction. داستان مرگ رئیس جمهور دروغ بود